



بلال حبشی اولین و معروف ترین مؤذن دنیای اسلام
است. در فیلم «محمد رسول الله» به کارگردانی مصطفی
عقادی این شخصیت مهم به تصویر کشیده شده است.
البته چند سال قبل بازیگر این نقش درگذشت

چند نکته جالب از زندگی زنده یاد حسین صبحدل

ماجرای مؤذن انقلاب



زندگی صبحدل در کنار حضرت آیت الله خامنه‌ای در سفر حج

«حسین صبحدل» که به مؤذن انقلاب معروف است و بسیاری از مردم ایران زمین با صدای گرم و ملکوتی او در وقت اذان آشنا بوده و هستند در دوره‌های مختلف زندگیش کارهای متنوعی را انجام داده است. سرودهای خمینی‌ای امام، راه امام در کلام امام، بانگ توحید، طلایه داران انقلاب، حماسه رزمندگان، ماه محرم، مناجات‌های رادیو و دعای هنگام تحویل سال و بیش از ۱۳۰۰ اثر رادیویی از آثار ماندگار این استاد فقید است. او ۱۳ آبان سال ۱۳۸۸ پس از تحمل سال‌ها بیماری و در حالی که در منزل بستری بود به دیار حق شتافت و تنها صدایی از او به یادگار ماند. برای این پرونده سراغ بخش‌های خاصی از زندگی او رفتیم که شاید خیلی‌ها از این حواشی خبر نداشته باشند.

❏ **ورود به هنر:** حسین صبحدل، متولد ۱۳۱۰ در تهران بود که فعالیت‌های قرآنی، مذهبی خود را از اوایل نوجوانی آغاز کرد. هر چند که در دوران نوجوانی در مغازه کفاشی پدر در بازار تهران مشغول به کار بود، کم‌کم تشویق شد وارد فعالیت‌های هنری، مذهبی شود و آن را از حسینی‌ها ارشاد آغاز کند.

❏ **ترکیبی از موسیقی و مداحی:** صبحدل همراه با یادگیری آواز سنتی و ایرانی، دعا و اذان نیز می‌خواند و در کنار آن تلاوت قرآن نیز داشت تا این که به تدریج این هنرها را با هم تلفیق کرد و با انتخاب اشعار بسیار خوب شروع به دعاخوانی و مداحی کرد و سبکی بین آواز سنتی و مداحی را اجرا کرد؛ سبک او نه آواز سنتی بود و نه مداحی‌های معمول، بلکه بین این دو بود.

❏ **از شریعتی تا مظهری:** این مؤذن معروف در دوره جوانیش عهده‌دار برگزاری جلسات سخنرانی استاد مظهری و استاد شریعتی بود و ارتباط

مزایده ۹۸/۲۸۸۰ / اقلام مؤسسه کوثر

مؤسسه کوثر در نظر دارد، آهنگ آلات ضایعاتی را از طریق مزایده حضوری به فروش رساند.

● (الف) شرایط مزایده:

❏ **۱- اهلیت قانونی خریدار (همراه داشتن کارت ملی الزامی می‌باشد).**

❏ **۲- متقاضی به محض برنده شدن مکلف است ۱۰٪ قیمت فروش را به صورت نقد از طریق کارت‌های بانکی عضو شبکه شتاب (به نام شخص خریدار) و یا چک پول به عنوان سپرده بپردازد.**

❏ **۳- بابت پرداخت سپرده بالاتر از مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال تهیه چک رمزدار در وجه مؤسسه کوثر به میزان ۱۰٪ قیمت پیشنهادی الزامی است.**

❏ **۴- در صورت انصراف خریدار، سپرده به نفع فروشنده ضبط خواهد شد.**

❏ **۵- خریدار مکلف است علاوه بر قیمت خرید، ۲٪ بابت هزینه‌های جانبی مزایده و ۹٪ بابت مالیات بر ارزش افزوده به فروشنده پرداخت نماید.**

❏ **۶- فروشنده در رد یا قبول پیشنهادهای مختار می‌باشد.**

❏ **۷- کلیه هزینه‌های پس از فروش به عهده خریدار می‌باشد.**

● (ب) زمان و مکان:

❏ **زمان بازدید مزایده:** روزهای شنبه و یکشنبه ۲۸ و ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ صبح از ساعت ۸ الی ۱۲ و عصر ۱۴ الی ۱۶

❏ **زمان برگزاری مزایده:** روز دوشنبه ۱۳۹۸/۰۲/۳۰ ساعت ۹ صبح

❏ **آدرس محل بازدید و برگزاری مزایده:** مشهد مقدس، انتهای طبرسی ۳۸ شمالی، کارخانه سگمنت، تلفن تماس:

۰۹۳۶۱۷۲۰۹۳۸ و ۰۵۱۳۸۶۷۰۶۰۶

ساعت پاسخگویی صبح از ساعت ۸ الی ۱۲ و عصر ۱۴ الی ۱۶ مدیریت مزایده: ۰۲۱-۴۴۵۴۹۱۲۵
مدیریت خدمات پس از فروش: ۰۲۱-۴۴۵۴۹۱۱۶-۷ آدرس اینترنتی: www.Kosar-net.ir

برده حبشی در بشاگرد

برده سیاه حبشی، دست می‌اندازد و می‌رود بالا. از لابه‌لای گره‌ها و طناب‌ها خودش را می‌کشد تا برسد روی سقف، دست روی گوش می‌گذارد و

صادق علیزاده
روزنامه‌نگار

نوای اذان را می‌فرستد اطراف کعبه با آن لهجه عربی حجازی! اولین تصور من از گفتن اذان و مؤذن و ماذنه در چنین میزانشی شکل گرفت. نصفه شبی و برای چندمین مرتبه نشسته بودم پای فیلم «الرساله» مصطفی عقادی که البته هنوز هم دیدنی است. کودکی بودم که هنوز پاپیم به مدرسه هم باز نشده بود، ولی هم‌نشینی این تصور با آن موسیقی حماسی موریس ژار در محمد رسول الله... (ص)، تجربه دل‌نشینی در ذهن آن کودک بیست و اندی سال قبل کاشته بود. تجربه‌ای که هنوز هم مزه‌اش زیر زانم است. گذشت تا سال‌ها بعد که قرار بود در مسابقات قرآن و اذان دانش‌آموزی یکی از نواحی زاهدان شرکت کنم. خیلی یکهویی! همین‌طور اسم نوشتم و در مدرسه برگزیده شدم و رفتیم برای مرحله بعد که منطقه‌ای بود. از روز قبلش هم دبیر پرورشی ندا داده بود که فردا آماده باشید و پیراهن یقه اسکی بپوشید که باید برویم آموزش و پرورش منطقه برای شرکت در مسابقات. آن سال‌ها پوشیدن بلوز یقه اسکی نمادی بود از گروه سرود و تواشیح و فعالیت‌های فرهنگی مشابه. اجمالا که درشت بودم و موفق به گذشتن از فیلتر منطقه‌ای مسابقات نشدم و همین‌جور ماند و ماند و ماند تا...

نهاد کتابخانه‌ها دعوت‌مان کرده بود برای يك سفر کاری به منطقه بشاگرد! جمعی فرهنگی و رسانه‌چی و امثالهم که ۱۷۰۰ کیلومتر را از تهران کوبیده و رفته بودیم توی دل کوه‌های سخت و خشک شرق هرمزگان! دنبال چه می‌گشتیم؟! در ظاهر قرار بود اختتامیه مدرسه جهادی خواندن باشد در خمینی‌شهر بشاگرد! برای اینها همه اما فرع ماجرا بود. پنجشنبه روزی بود که نماز ظهر را در یکی از روستاهای منطقه ادا کردیم. ماذنه بلندی هم داشت با دری باز کنج‌کاوی خبرنگاری کافی بود تا سرکی بکشم و پله‌هایی که فضله کفتر روی‌شان خودنمایی می‌کرد را دو تابی یکی بروم بالا! عاقبت رسیدم بالا! نسیم خنک آخر اسفند، تاب می‌خورد و از لابلای کوه‌ها و صخره‌های خشک و سخت می‌پیچید و خودش را به ماذنه می‌رساند و از سوی دیگر خارج می‌شد. همان کوه‌ها و صخره‌های خشک و سختی که سال‌ها پیش در «محمد رسول الله...» (ص) عقاد دیده بودم، مسجد و منطقه را احاطه کرده بود. صدای اذان برده آزاد شده حبشی از ۱۴۰۰ سال قبل و از چند هزار کیلومتر آن سوتر چیزی نبوده که به گوش نرسد و لو در رشته کوه‌های سخت و خشک بشاگرد در شرق هرمزگان! تصور سال‌های قبل از اذان و مؤذن و ماذنه دوباره زنده شده بود!